

# مکاتب احیاءِ اسلامی

در هند قرن نوزدهم میلادی

پژوهش و نگارش

دکتر پرستو کلاهدوزها

(عضو هیات علمی دانشگاه دانش البرز قزوین)

دکتر حمید عابدیها

(عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور استان قزوین)

با مقدمه

استاد دکتر فتح‌الله مجتبایی



|                         |                                                                                                                                                                                       |
|-------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | کلاهدوزها، پرستو، ۱۳۵۷-                                                                                                                                                               |
| عنوان و نام پدیدآور     | مکاتب احیاء اری اسلامی در هند قرن نوزدهم میلادی/ پژوهش و نگارش پرستو کلاهدوزها، حمید عابدیها؛ با مقدمه فتح‌اله مجتبیایی؛ ویراستار ادبی حسین سرمد محمدی؛ ویراستار علمی مسعود بهرامیان. |
| مشخصات نشر              | تهران: دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۴۰۰.                                                                                                                                                    |
| مشخصات ظاهری            | ۵۱۸ ص: مصور (رنگی)، عکس (رنگی).                                                                                                                                                       |
| شابک                    | ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۵۷-۲                                                                                                                                                                        |
| وضعیت فهرست نویسی       | ۱۳۵۰۰۰                                                                                                                                                                                |
| یادداشت                 | ۵۱۸- [۱]                                                                                                                                                                              |
| موضوع                   | جنبش‌های اسلامی - هند<br>Islamic movements -- India*                                                                                                                                  |
| شناسه افزوده            | عابدیها، حمید، ۱۳۵۷ -                                                                                                                                                                 |
| شناسه افزوده            | مجتبیایی، سیدفتح‌الله، ۱۳۰۶ -، مقدمه‌نویس                                                                                                                                             |
| شناسه افزوده            | بهرامیان، مسعود، ۱۳۶۲ -                                                                                                                                                               |
| شناسه افزوده            | دانشگاه مذاهب اسلامی                                                                                                                                                                  |
| شناسه افزوده            | University of Islamic Denominations                                                                                                                                                   |
| رده بندی کنگره          | ۴۷۹DS                                                                                                                                                                                 |
| رده بندی دیویی          | ۰۳۵/۹۵۴                                                                                                                                                                               |
| شماره کتابشناسی ملی     | ۸۷۶۹۳۷۹                                                                                                                                                                               |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | فیپا                                                                                                                                                                                  |

عنوان کتاب: مکاتب احیاء اری اسلامی در هند قرن نوزدهم میلادی

پژوهش و نگارش: دکتر پرستو کلاهدوزها و دکتر حمید عابدیها

ناشر: دانشگاه مذاهب اسلامی

ویراستار ادبی: حسین سرمد محمدی

ویراستار علمی: دکتر مسعود بهرامیان

طراح جلد: سعید نجف آبادی

صفحه‌آرا: رقیه بانکی

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت:

۱۳۵۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۵۷-۲

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان (فلسطین جنوبی)، خیابان شهید روانمهر، پلاک ۳، دانشگاه مذاهب

اسلامی، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۵۲۵۲

◆ کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است ◆

## فهرست مطالب:

|     |                                                                           |
|-----|---------------------------------------------------------------------------|
| ۱۱  | پیش‌گفتار.....                                                            |
| ۲۱  | مقدمه.....                                                                |
| ۲۲  | دین‌شناسی.....                                                            |
| ۳۰  | تعامل فرهنگی.....                                                         |
| ۳۸  | احیاگری دینی و همگرایی ادیان.....                                         |
| ۵۳  | <b>فصل ۱: درآمدی بر جریان احیاگری اسلامی در شبه قاره.....</b>             |
| ۵۴  | گفتار ۱: ریشه‌شناسی، مفهوم و خاستگاه واژه‌های احیاء، اصلاح و همگرایی..... |
| ۵۴  | ۱-۱- احیاء و احیاگری.....                                                 |
| ۵۸  | ۱-۲- اصلاح و اصلاح طلبی.....                                              |
| ۶۶  | ۱-۳- همگرایی و وحدت اسلامی.....                                           |
| ۷۰  | گفتار ۲: علل و عوامل؛ انگیزه‌ها و ضرورت‌های احیاگری اسلامی.....           |
| ۷۰  | ۲-۱- مقدمات و موجبات اولیه ظهور جنبش‌های احیاگرانه.....                   |
| ۸۷  | ۲-۲- پیشینه تاریخی جریان‌های احیاگرانه در اسلام.....                      |
| ۱۰۰ | ۲-۳- زمینه‌های بیداری اسلامی و سابقه احیاگری دینی در هند.....             |
| ۱۱۶ | ۲-۴- ورود استعمار و حاکمیت سیاسی بریتانیا در شبه قاره.....                |
| ۱۲۷ | گفتار ۳: بسترها و نتایج جهاد مسلمانان علیه استعمار بریتانیا.....          |
| ۱۲۷ | ۳-۱- ریشه‌یابی لغوی و مفهومی جهاد.....                                    |
| ۱۳۶ | ۳-۲- تأثیر جهاد بر افکار مسلمانان هند علیه استعمار.....                   |
| ۱۴۴ | ۳-۳- شورش ۱۸۵۷ میلادی و مسائل پیش و پس از آن.....                         |
| ۱۴۴ | ۳-۳-۱- علل و عوامل شورش.....                                              |
| ۱۵۲ | ۳-۳-۲- آغاز و انجام شورش.....                                             |
| ۱۵۹ | ۳-۳-۳- هند پس از شورش.....                                                |
| ۱۶۹ | <b>فصل ۲: بازشناسی جنبش‌ها و مکاتب احیاگرایانه هند در قرن نوزدهم.....</b> |
| ۱۷۰ | گفتار ۱: مکتب دیوبند (Deoband) (۱۲۸۳ ق/ ۱۸۶۶ م).....                      |
| ۱۷۰ | ۱-۱- گذری بر مقدمات (سیاسی - عقیدتی) پیدایش مکتب دیوبند.....              |
| ۱۷۵ | ۱-۲- مؤسسان اولیه دارالعلوم دیوبند و چگونگی راه‌اندازی آن.....            |

- ۱۸۰..... ۱-۳- روش مدیریت علمی و مفاد درسی دارالعلوم دیوبند
- ۱۸۶..... ۱-۴- جایگاه محمود الحسن در پیشبرد اهداف اصلاحی مکتب دیوبند
- ۱۸۹..... ۱-۵- فصل اشتراک و افتراق دیوبندیان و نئودیوبندیان
- ۱۹۳..... ۱-۶- شرح مبارزات سیاسی و اقدامات ضد استعماری دیوبندیان
- ۱۹۹..... ۱-۷- دریافت‌ها و برداشت‌های کلی از مکتب دیوبند
- ۲۰۲..... گفتار ۲: مکتب علیگره (Aligarh) (۱۲۹۲ ق/ ۱۸۷۵ م)
- ۲۰۲..... ۲-۱- گذری بر مقدمات (سیاسی- عقیدتی) پیدایش مکتب علیگره
- ۲۰۷..... ۲-۲- شرح احوال و کلیاتی درباره سید احمدخان
- ۲۱۱..... ۲-۳- معرفی اجمالی آثار و تألیفات سید احمد خان
- ۲۱۹..... ۲-۴- رویکردها و راهکارهای فرهنگی- عقیدتی علیگره
- ۲۲۰..... ۲-۴-۱- ارتقای سطح دانش و بینش مسلمانان
- ۲۳۱..... ۲-۴-۲- طرح و راه اندازی دانشگاه اسلامی علیگره
- ۲۳۵..... ۲-۴-۳- اصلاح ناپسندی‌های زبان اردو و توجه به زبان فارسی
- ۲۴۱..... ۲-۴-۴- ایجاد پویایی در فقه با اقتضای باب اجتهاد
- ۲۴۶..... ۲-۴-۵- تفسیر عقلایی آیات قرآن و روایات اسلامی
- ۲۶۵..... ۲-۵- رویکردها و راهکارهای اجتماعی- سیاسی علیگره
- ۲۶۶..... ۲-۵-۱- تربیت صحیح اجتماعی و برگزاری جلسات تعلیمی
- ۲۷۱..... ۲-۵-۲- آموزش زبان انگلیسی به مسلمانان
- ۲۷۳..... ۲-۵-۳- ارتباط سازش‌دارانه با حاکمیت انگلستان
- ۲۸۶..... ۲-۶- نقد سیاست مدارای سید احمدخان با بریتانیایی‌ها
- ۲۹۲..... ۲-۷- موضع سید احمدخان در مقابل جنبش خلافت و سیدجمال
- ۳۰۰..... ۲-۸- اختلاف و تقابل مکتب علیگره با مکتب دیوبند
- ۳۰۳..... ۲-۹- دریافت‌ها و برداشت‌های کلی از مکتب علیگره
- ۳۰۷..... گفتار ۳: سیدجمال الدین اسدآبادی (۱۲۵۴ ق- ۱۳۱۵ ق/ ۱۸۳۸ م- ۱۸۹۷ م)
- ۳۰۸..... ۳-۱- شرح احوال سیدجمال
- ۳۱۲..... ۳-۲- معرفی اجمالی تألیفات و آثار سیدجمال
- ۳۱۶..... ۳-۳- سفرهای احیاگرانه و اصلاح طلبانه سیدجمال

|                                                                      |     |
|----------------------------------------------------------------------|-----|
| ۳-۴-.....                                                            | ۳۲۵ |
| ۳-۵-.....                                                            | ۳۴۰ |
| ۳-۶-.....                                                            | ۳۴۵ |
| گفتار ۴: مکتب ندوه العلماء (nadwatululama) (۱۳۱۲ ق/ ۱۸۹۴ م).....     | ۳۶۰ |
| ۴-۱-.....                                                            | ۳۶۰ |
| ۴-۲-.....                                                            | ۳۶۳ |
| ۴-۳-.....                                                            | ۳۶۴ |
| ۴-۴-.....                                                            | ۳۶۶ |
| ۴-۵-.....                                                            | ۳۶۷ |
| ۴-۶-.....                                                            | ۳۶۹ |
| ۴-۷-.....                                                            | ۳۷۱ |
| ۴-۸-.....                                                            | ۳۷۲ |
| ۴-۹-.....                                                            | ۳۷۶ |
| ۴-۱۰-.....                                                           | ۳۷۷ |
| ۴-۱۱-.....                                                           | ۳۸۰ |
| ۴-۱۱-۱-.....                                                         | ۳۸۰ |
| ۴-۱۱-۲-.....                                                         | ۳۸۳ |
| ۴-۱۱-۳-.....                                                         | ۳۸۶ |
| ۴-۱۱-۴-.....                                                         | ۳۸۸ |
| ۴-۱۲-.....                                                           | ۳۹۱ |
| <b>فصل ۳: انتقال میراث فکری احیاءگری دینی به سده بعد</b> .....       | ۳۹۵ |
| گفتار ۱: مولانا ابوالکلام آزاد (۱۳۰۵ ق- ۱۳۷۹ ق/ ۱۸۸۵ م- ۱۹۵۹ م)..... | ۳۹۶ |
| ۱-۱-.....                                                            | ۳۹۶ |
| ۱-۲-.....                                                            | ۳۹۹ |
| ۱-۳-.....                                                            | ۴۰۱ |
| ۱-۴-.....                                                            | ۴۰۴ |
| ۱-۵-.....                                                            | ۴۱۰ |

## پیش‌گفتار

پس از پدیده رنسانس، کمابیش به گونه‌ای، سرنوشت شرق با سرگذشت غرب، جا به جا شد. در قرن شانزدهم میلادی بعد از اتمام قرون وسطی، جوامع غربی، چندین دوره رخوت و رکود را پشت سر نهادند؛ در حالی که دوران قرون وسطای اسلامی و فرو رفتن مسلمانان در تاریکی، تازه آغاز شده بود. بدین ترتیب، تعارض‌های رخ داده میان گزاره‌های علمی و آموزه‌های دینی که پیش از رنسانس، مطرح می‌گردید، در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی به اوج خود رسید و به مثابه موضوعی اساسی، بخش مهمی از گفتمان‌های متکلمان غربی را به خود اختصاص داد. به نحوی که بسیاری از اندیشمندان اروپایی برای سازگاری علم و دین، به تفسیر علمی گزاره‌های دینی دست زدند. چنین مباحث‌هایی، کم‌کم در میان متکلمان مسلمان نیز جدی شد و بن‌مایه‌های آن به تدریج از میان آراء اندیشمندان مسلمان، استخراج و تقویت شد.

اکنون که تفرقه و تنش‌های مذهبی با فرسایش نیروها و سرمایه‌های داخلی، جهان اسلام را هدف انواع تهدیدها قرار داده؛ غارت منابع، با اشغال نیروهای بیگانه، شکلگیری تروریسم سازمان یافته و مشکلات دیگر نیز در مناطق استراتژیک جهان اسلام، چشم‌انداز یک منطقه بحرانی را ترسیم می‌کرد که از همه مهم‌تر، آسیب‌پذیری آن در برابر دخالت و سلطه بیگانگان بود. از این رو آغاز رویکرد به غرب در کشورهای اسلامی، صرفاً ناشی از غرب‌زدگی نبود؛ بلکه بیشتر، نتیجه آگاهی مسلمانان به ضعف عمیق خود در برابر غرب، به شمار می‌آید. در واقع دو مقوله اساسی پیشرفت غرب و پسرفت شرق، عامل اولیه واکنش متفکران دینی جهان اسلام لحاظ می‌شد که این دو، در پیوند نزدیک با یکدیگر، مشکلات عدیده‌ای برای جوامع مسلمان به همراه داشتند. از این رو در برخورد با این مسائل و رفع نابسامانی‌های داخلی و هجوم‌های خارجی، برخی از

سیاستمداران، علما، اندیشمندان و... از نظر فکری یا سیاسی یا هر دو، موضع گیری‌هایی داشتند که عمدتاً دفاعی بود؛ هر چند که متن حوادث و تحولات سیاسی- نظامی و اقتصادی- اجتماعی داخلی در سرزمین‌های اسلامی و مرتبط با غرب نیز، در گسترش و پیشرفت این واکنش‌ها مؤثر می‌نمود. با این وصف، چگونگی واکنش جهان اسلام در برابر برتری غرب، بخش مهمی از تاریخ معاصر دول اسلامی را شکل می‌داد و برای گروه بسیاری از فعالان سیاسی- مذهبی، مبارزه‌های قرن هجده و نوزده میلادی، امری حیاتی شمرده می‌شد.

طبق این مقدمه و با توجه به تاریخ شناخته شده بشر، باورهای عقیدتی و اندیشه‌های مذهبی، از برجسته‌ترین زمینه‌های پیدایش روابط حسنه یا خصمانه در میان ملت‌های مختلف بوده است؛ تجربه‌های ثبت شده تاریخی، نشان می‌دهد که همیشه سرزمین‌هایی با شاخصه تکثر دینی و تعدد فرقه‌ای برای حاکمان مسأله ساز و بحران آفرین بوده‌اند و بیشتر فرمانروایانی به نگهداشت محبوبیت و قدرت خویش موفق شده‌اند که از روش تسامح و تساهل دینی و همگرایی مذهبی، در پیشبرد اهداف سیاسی- اجتماعی خود بهره‌برده‌اند.

از آنجا که جریان احیای فکری اسلامی بر آن است تا تعمیری جدید از مبانی دینی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان ارائه دهد تا آن را از گزند انحطاط و انحراف رهایی دهد؛ پس این گفتمان همواره، به‌ویژه در سده‌های اخیر، در میان نواندیشان دینی و احیاگران مذهبی اقصی نقاط جهان اسلام از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده است. با این همه، تمایز رویکردها و تفاوت راهکارهای مصلحان، بی‌شک ضمن متأثر شدن از فرآیندهای ممتاز فکری- عملی آن‌ها، به اختلاف ساختار سیاسی- اجتماعی مولد و موطن و محل رشد و تکوین شخصیت آن‌ها نیز باز می‌گردد.

در این میان، شبه قاره هند همیشه در درازنای تاریخ - به عنوان سرزمینی برخوردار از تنوع دینی-، انشعابات فرقه‌ای جدید در ادیان مختلف را به چشم خود دیده است. با ورود اسلام به این منطقه، از سویی این روند، شکل گسترده تری به خود گرفت و از سویی دیگر، برای حاکمان مسلمان کسب قدرت و حفظ حکومت، با وجود چنین آیینهای متفاوت و گاه متعارضی، مسأله

ساز شد. از این رو هر یک از حکام، در رویارویی با این موضوع، روشی برگزیدند که بی تردید برخاسته از عوامل خاص و در پی نتایج ویژه بود. نظر به اینکه همگرایی یا واگرایی پیروان ادیان مختلف، همواره یکی از پرچالش‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوعات در تاریخ اندیشه بشری بوده و در بسیاری از جنگ‌ها و صلح‌های مهم و تاریخی، رد پای ماندگاری از دین به مثابه یکی از عوامل اساسی، به راحتی کشف و بررسی شدنی است. سرزمین هند، از دیرباز، در جایگاه مدلی بارز و کامل در این زمینه شمرده می‌شود. به گونه‌ای که با چنین شرایط خاصی، بارها «سرزمین هزار آیین»، «موزه ادیان و مذاهب» و یا «سرزمین عجایب» لقب گرفته است.

باری، هندوستان با سوابق و تنوع دینی - فرهنگی چند هزار ساله و نزدیکی نژادی، زبانی، فرهنگی، دینی و ... چندین جنبه اش با ایران از نظر پژوهش‌ها و بررسی‌های علمی (بویژه تاریخی - مذهبی)، هنوز هم نقطه‌ای پر رمز و راز، ناشناخته و مغفول است. از این رو بویژه در زمینه‌های فکری - عقیدتی نیازمند تحقیقات عمیق پژوهشگران حوزه‌های مختلف اجتماعی است. پژوهش حاضر در مسیر تحقیقات جریان شناسانه احیاگری اندیشه دینی در منطقه هندوستان، به موضوعی نو و کاربردی در تاریخ اندیشه اسلامی اختصاص دارد و ضمن آن بخشی از فقر منابع و کمبود مباحث مطالعاتی در این حوزه جغرافیایی را برطرف می‌سازد.

ناگفته پیداست که قرن شانزدهم میلادی، دوران اوج قدرت مسلمانان با حاکمیت مغولان در هند شناخته می‌شود (که به قطع یکی از عوامل این توفیقات، رویکرد دینی و عملکرد مبتنی بر عقیده حاکمان مسلمان، با غیرمسلمانان بوده است) به سبب ویژگی‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی - مذهبی آن، بستر ساز کنش‌های اجتماعی و جنبش‌های اصلاح طلبی قرون بعدی در نظر گرفته می‌شود؛ از این رو هر چه پژوهش‌های عمیق و دقیق در این مقاطع زمانی (چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی)، بیشتر صورت پذیرد، قاعدتاً روشنگر مسائل و ابهام‌های قرون بعدی، بویژه برخی علل ناشناخته فروپاشی قدرت مسلمانان و دلایل پنهان مانده ورود استعمار به هندوستان خواهد شد. در قرن هفدهم میلادی، تحولاتی در شبه قاره رخ داد که نتایج سرنوشت سازی در سده

هجدهم و نوزدهم به بار آورد. نخستین آن، پدیده‌ای است که می‌توان آن را «نهضت روشنفکری اسلامی» نامید. در واقع، روی کار آمدن اکبرشاه گورکانی با ورود اندیشه‌های آزاد منشانه صوفیان ایرانی همراه بود. اندیشه‌هایی که به رغم اختلافات داخلی میان فرق اسلامی، بر نوعی عقیده باطنی و اصول معنوی مشترک اصرار می‌ورزیدند. در این میان شیخ احمد سرهندی در سده هفدهم واکنشی را آغاز کرد و درصدد بود فقه اهل سنت را به گونه‌ای با معنویات سازش دهد که از تمایل به وحدت با کیش هندویی پرهیز شود. در واقع او با این حرکت، موفقیت‌های فراوانی هم به دست آورد زیرا معتقد بود اسلام در هزاره دوم نه تنها تضعیف نشده، بلکه در حال قوت گرفتن است. بیشتر مسلمانان هند، شیخ احمد را که امنیت دینی و سیاسی آن‌ها را تضمین نمود و برایشان میراثی علمی به جای گذاشت، با صفت «مُجدد الف ثانی» می‌شناسند و مولانا عبدالحکیم سیالکوٹی نیز درباره شیخ احمد سرهندی لقب «مجدد هزاره دوم» را به کار برده و این لقب تحقق این حدیث شریف است: «ان الله بعث لهداه الامه علی رأس کل مائه سنه، من یجدد لها دین‌ها». خداوند در ابتدای هر صد سال، مجددی را بومی‌انگیزد که دینش را دوباره احیاء کند. مسلمانان جهان اسلام عنایت جدی به این حدیث داشته‌اند. به ویژه در هر زمانی که شهرها از نظر دینی عقب افتاده بودند و در آن‌ها بدعت‌های جدید گسترش یافته، توجه به این حدیث بیشتر می‌شده است.

در میان سلاطین گورکانی، برخی مانند اکبرشاه و اورنگ زیب به اصلاحات دینی اعتقاد داشتند و شعار احیاءگری اسلامی سرمی‌دادند. آن‌ها در جایگاه حاکم اسلامی، درصدد بودند با صدور فرمان‌های تازه و تصویب قوانین جدید، جامعه خویش را از جمود فکری و تحجر رفتاری نجات بخشند. با این همه، همه این حاکمان، داعیه اصلاح اندیشه دینی داشته‌اند و گاه، خود را در این باره مصلح یا مجدد قرن خود می‌دانسته‌اند و در پی دستیابی به هدفی مشترک بودند؛ افکار و اعمال مغایر و حتی متضاد آن‌ها، همواره ذهن پژوهندگان عرصه اصلاح طلبی دینی را به خود مشغول داشته و موجب پرسش‌ها و چالش‌های فراوانی در این زمینه شده است. اینکه چرا این حکام، ضمن داشتن اشتراکات بیشمار در تربیت فردی و جایگاه اجتماعی خود، در مقولات فرهنگی-مذهبی، در مدت بیش از نیم

قرن حاکمیت جداگانه خود بر مسلمانان شبه قاره؛ در ارائه طرح‌ها و برنامه‌های اصلاحی - اکبرشاه با شیوه تسامح و تساهل دینی و اورنگ زیب با روش تعصب و استبداد مذهبی - دقیقاً نقطه مقابل یکدیگر قرار گرفتند؛ پرسش مهمی است که پاسخی علمی و استدلالی می‌طلبد. به هر حال همواره، نبود تعصبات دینی در میان مغولان، یکی از ستوده‌ترین ویژگی‌های آنان در تاریخ به شمار می‌رود. زیرا این موضوع، تا حد زیادی در آرامش ملت‌های تابعه، پس از آن همه مصائب غم‌انگیز و حملات خانمان سوز آنان، اثربخش ارزیابی می‌شود. همچنین این رویه، به همه دانشمندان از هر فرقه و مذهبی فرصت می‌داد تا بی هیچ واژه و سانسوری، عقاید خود را ابراز کنند و به قلم آورند و در پی آن، بازار دانش دینی را رونق بخشند. نقش عالمان دینی این ادوار در تحول تفکرات مذهبی و باورهای سستی، انکارناشدنی است. شیخ احمد سرهندی، در ربع آخر قرن دهم هجری زمانی پرورش یافت که اکبر تیموری، مردم را به دین جدیدش دعوت می‌نمود. شیخ احمد «نهضت تجدیدی» را که با دین الهی اکبرشاه متضاد بود، بنیان گذاشت و این نهضت، در واقع عکس‌العملی در مقابل حرکت الحادی یا اصلاحی اکبرشاه بود.

اعتقاد به ظهور مصلح در اسلام، - چنانچه پیش‌تر ذکر آن رفت - آموزه‌ای است که بر اساس حدیث مذکور از پیامبر، ایجاد شده بود. مفهوم اینچنین روایت‌هایی که از پیامبر نقل می‌شود آن است که در رأس هر صد سال منجی‌ای برای سامان دادن به امور دین اسلام و زدودن بدعت‌ها، ظهور می‌کند که در ضمن مصلح آخرین سده از هزاره، همام پیامبر (ص) خواهد بود. به باور سرهندی، مجدد حقیقی آن است که هر چه در آن مدت از فیوض به امتان برسد، از او برسد؛ اگرچه اقطاب و اوتاد باشند و ابدال و نجبا باشند. جالب توجه این که اکبرشاه نیز در نقطه کاملاً مقابل، در اقدامات خود، ادعای مصلح دینی و تجدید حیات اسلامی داشت. او بزرگ‌ترین حکمران تیموری بود که در سال‌های حکومتش کوشید تا با اعلام کردن «هزاره» و مرسوم ساختن دین الهی به شکل مجموعه‌ای از مراسم‌ها، عقاید و آیین‌ها، وحدت دینی را در جامعه هزار دین و آیین هند، حکم فرما کند. او ابتدا برای الفت فرق مختلف اسلام و دیگر فرقه‌های غیراسلامی با هم،

آیینی جدید بنیان نهاد که به «دین الهی» مشهور شد. اما به مرور، دیانت جدید اکبر همه ادیان پیش از خود را در برمی گرفت. اگرچه درباره سیاست دینی اکبرشاه، مواضع و دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده، اما بالطبع از نگاه علمای سنتی‌ای مانند سرهندی، اقدامات اصلاح گرایانه اکبرشاه، تحمل شدنی نبود و بی‌شائبه آن‌ها را نقد و رد وی کرد. سرهندی، به شدت مخالف تساهل مذهبی اکبرشاه بود و خواهان وضع جزیه به غیرمسلمانان، آزاد کردن ذبح گاو و محروم کردن غیرمسلمانان از مشاغل و مناصب سیاسی بود. این شرایط عقیدتی در هند همچنان تا حدود یک سده ادامه داشت و تا پایان حکمرانی اورنگ زیب (۱۷۰۷ م) با اینکه موافقت‌ها یا مخالفت‌های سلاطین مغولی با عقاید تساهل یا تعصب عالمان دینی، بواسطه اقتدار سیاسی - نظامی پادشاهان گورکانی، هرگز به هرج و مرج جدی ملی و انحطاط ارکان حکومتی نینجامید، ولی پس از مرگ اورنگ زیب از آنجا که جانشینان ناتوان او در کنترل عناصر یاغی و سرکش عاجز شدند، امپراطوری مغول به ضعف گرایید و جامعه اسلامی هند در آغاز قرن هجدهم رو به تجزیه و از هم پاشیدگی گذاشت. در نتیجه، اوضاع شهرها وخیم شد و عناصر غیراسلامی رشد کردند و آشوب‌های زیادی به وقوع پیوست. در بحبوحه این آشفتگی‌ها، مجدد عجیب دیگری به نام «شاه ولی الله دهلوی» ظهور کرد. در تاریخ هند همیشه کسانی بوده‌اند که بر مردم زمان خود و کسانی که پس از آن آمده‌اند، تأثیرات عمیقی نهاده‌اند که سبب رشد و تکامل تدریجی جامعه شده‌اند. بی‌شک نقشی که شاه ولی الله و خانواده‌اش در جهت اصلاحات در دین و رونق حدیث و تفسیر انجام دادند، بی‌بدیل بود که اثرات آن، هنوز هم در هندوستان و دیگر مناطق جهان دیده می‌شود. علامه اقبال، از شاه ولی الله دهلوی به عنوان «بزرگ‌ترین متأله متأخر اسلام» و نخستین مسلمانی یاد کرده است که در قرون اخیر، ضرورت دمیدن روح احیاء و اصلاح به جنبش‌ها و قیام‌ها، و بازسازی فکر دینی را در اسلام احساس کرده بود.

جنبش اصلاح دینی شاه ولی الله از جمله جنبش‌هایی شمرده می‌شود که برای بازگشت به خلوص نخستین اسلام، ضمن اینکه فسادهای بعد از دوران صدر اسلام را طرد می‌کرد، آورده‌های

آنان را به کلی محکوم نمی‌کرد. او بیش از آنچه رد و تخریب کند بنا داشت اصلاح کند و بسازد. شکلی که ولی الله برای اسلام تصفیه شده خود در نظر می‌گرفت، آشکارا رنگ تصوف داشت. او به فساد و انحطاطی که در روش‌های عملی صوفیان پدید آمده بود و نیز اشتباه و انحرافات صوفیان زمان خود، ایراد می‌گرفت و اگرچه صوفی بود ولی به بی‌قیدی‌ها و فراخ رویی‌های هجوم می‌برد که جامعه فاسد و منحط در زمینه مذهبی تحمل می‌کرد. اهمیت این متفکر این بود که سعی در تفسیری از اسلام داشت تا یک تصوف خالص را با یک سنت عاری از آلائش، منطبق سازد. در این موقعیت بحرانی مسلمانان، فرزند شاه ولی الله - شاه عبدالعزیز - و شاگردان مکتب او نیز همین رویه را در جهت احیای ارزش‌های دین اسلام و حفظ اقتدار مسلمین به کار گرفتند تا اینکه در قرن نوزدهم پرچم این جهاد علمی و دینی، ابتدا به دست سیداحمد بارلی افتاد. حرکت سید احمد ملقب به شهید، (معروف به احمد رأی بریلوی یا سید احمد عرفان)، نخستین و مهم‌ترین نهضت فکری - اصلاحی، دینی - سیاسی ملهم و متأثر از آرا و عقاید دینی - سیاسی شاه ولی الله بود که در واقع، نهضتش را در برخورد با دو محور انحطاط داخلی و تسلط خارجی، به یک جنبش سیاسی - اجتماعی تبدیل کرد. زیرا ندوی معتقد است که پیش از سید احمد، تمام کوشش‌ها و جهادها در جهت نجات و رهایی از قدرت انگلیس‌ها و برقراری مرکزی مستحکم، ناموفق بود. در صورتی که گردانندگان آن جنبش‌ها و حرکات، افراد بزرگی از قائدان و والیان ایالت‌های مختلف بودند که در میان آنان رهبرانی غیور و توانا مانند «سلطان تیبو شهید» و ژنرال‌هایی چون «امیرخان» وجود داشتند. پیش از این دو هم، «نواب سراج الدوله» والی مرشدآباد و «نواب شجاع الدوله» فرمانروای اوده، با تسهیلات فراوان و ارتش منظمشان در نهایت ناکام مانده بودند. از نظر آراء و شعارهای اصلاحی، سید احمد به پیروی ولی الله، علیه آداب و رسوم متداول میان مسلمین آن زمان و به قصد پیراستن اسلام از بدعت‌ها و خرافات به پا خاست و ضمن رد شرک، مسلمانان روستایی را به توحید مطلق، دعوت کرد. عزیز احمد درباره وی آورده که حرکت سیداحمد، تبلور آرای بنیادگرایانه ولی الله را در یک برنامه عملی نشان می‌دهد، و از هدف‌های آن حذف عناصر التقاطی